

Semantics and Characteristics of Waiver of Guarantee With Civil and Criminal Approaches

Ali Amiri ¹, Rahman Valizadeh ^{2*}, Mehdi Mohammadian Amiri ³, Mohammad Ali Khairollahi ⁴

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 131-144

Article history:

Received: 10 Sep 2024

Edition: 30 Oct 2024

Accepted: 25 Dec 2024

Published online: 22 Jan 2025

Keywords:

Waiver of Guarantee, Permission, Favor, Warning, Action.

Corresponding Author:

Rahman Valizadeh

Address:

Iran, Babol, Islamic Azad University, Babol Branch, Department of Jurisprudence and Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-0341-5899

Tel:

09111146246

Email:

Valizadeh.rahman@gmail.com

ABSTRACT

Background and purpose: Explaining the meaning and components of the waiver of liability with emphasis on the teachings of Islamic law is considered a very necessary issue in Iranian statutory law. Since the waiver of liability in criminal matters, compared to civil matters, especially in terms of realism and applicability, is faced with ambiguity and lack of clarity, this research aims to explain the common issues of the effects of the waiver of civil and criminal liability of liability.

Materials and Methods: The present article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative, and questionnaires were used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: Disambiguation of instances and effects on the subject of waiver of liability, in addition to applicability in civil law, has not been left out in laws with a criminal approach and has specific provisions on the topics of theft, waiver of physician liability, non-retaliation of murderers, and...

Conclusion: The unity of the criteria for the guarantee clauses in both civil and criminal areas is somewhat equal and does not differ much from each other. And the examples of guarantee clauses (permission, action, warning, kindness, trust), the unification of the process by relying on common examples and cognitive harmony in attitudes towards guarantee clauses is conceivable.

Cite this article as:

Amiri, A; Valizadeh, R; Mohammadian Amiri, M; Khairollahi, MA. *Semantics and Characteristics of Waiver of Guarantee With Civil and Criminal Approaches*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



مطالعات فقه اقتصادی

Economic Jurisprudence Studies



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

معناشناسی و شاخصه‌های اسقاط ضمان با رویکرد مدنی و کیفری

علی امیری^۱، رحمان ولی‌زاده^{۲*}، مهدی محمدیان امیری^۳، محمدعلی خیرالهی^۴

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۴. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تبیین معنایی و مولفه‌های اسقاط ضمان با تأکید بر آموزه‌های حقوق اسلامی از موارد بسیار ضروری در حقوق موضوعه ایران به شمار می‌آید. از آنجایی که مسقطات ضمان در امور کیفری در قیاس با امور مدنی بالاخص در خصوصیت تحقق گرایشی و کاربردپذیری با ابهام و عدم صراحت مواجه است، این پژوهش با هدف تشریح موارد مشترک آثار رفع مسئولیت مدنی و کیفری ضمان است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: ابهام زدایی مصادیق و آثار در موضوع مسقطات ضمان علاوه بر کاربردپذیری در حقوق مدنی در قوانین با رویکرد کیفری مسکوت نمانده و دارای مقرره‌های خاص در مباحث سرقت، رفع ضمان پزشکی، عدم قصاص قاتل و... است.

نتیجه: وحدت ملاک مسقطات ضمان در دو حوزه مدنی و کیفری تا حدودی برابر است و افتراق چندانی با یکدیگر ندارند. و مصادیق مسقطات ضمان (اذن، اقدام، تحذیر، احسان، استیمان)، یکسان‌سازی فرآیندی با متکی شدن مصادیق مشترک و هماهنگی شناختی در نگرش‌ها نسبت به مسقطات ضمان قابل تصورات است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

اسقاط ضمان، اذن، احسان، تحذیر، اقدام.

نویسنده مسئول:

رحمان ولی‌زاده

آدرس پستی:

ایران، بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، گروه فقه و حقوق اسلامی.

تلفن:

09111146246

کد ارکید:

0000-0002-0341-5899

پست الکترونیک:

Valizadeh.rahman@gmail.com

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است بر عهده بگیرد. لذا قانون مدنی در ماده ۶۸۴ آن را چنین تعریف کرده است: «عقد ضمان عبارتست از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. در مقابل، در مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی، قواعدی مطرح است که با آن که شخصی شرایط ضمان برای او فراهم است، از ضمان معاف شده و ملزم به جبران خسارات وارده نیست و فقها و حقوقدانان تحت عنوان مسقطات ضمان و سقوط تعهدات بحث می کنند.

پژوهش کنونی تحقیقی است با موضوع جستاری در مفهوم شناسی و شاخصه های اسقاط ضمان مدنی و کیفری با وجود اشتراک در آثار با افتراق کامل در قلمرو (مدنی و کیفری) و پیرامون تحقق گرایی، باعث الحاق مسقطات ضمان مدنی به امور کیفری گردیده است. لذا برای جلوگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصویری و گویایی حقیقت در مساله، نیازمند تحقیقاتی هستیم که با بررسی ابعاد حقوقی، خلاء موجود برطرف شود. پژوهش حاضر به این سوال پاسخ داده است که شاخصه های اسقاط ضمان در قلمرو مدنی و کیفری کدامند؟ و فرضیه تحقیق بر این است که علی رغم افتراق مدنی و کیفری مسقطات ضمان در هردو حوزه مشترک است.

۲. مواد و روش ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته ها

ابهام زدایی مصادیق و آثار در موضوع مسقطات ضمان علاوه بر کاربرد پذیری در حقوق مدنی در قوانین با رویکرد کیفری مسکوت نمانده و دارای مقرره های خاص در مباحث سرقت، رفع ضمان پزشکی، عدم قصاص قاتل و... است.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم واژه ضمان

مناسبات مفهومی واژه «ضمان» از پیچیده ترین مفاهیم در فقه و حقوق اسلامی به شمار می آید؛ لذا ارائه چارچوب مفهومی از واژه ضمان برای بررسی اهداف غایی پژوهش در فقه اسلامی و کنش های حقوق مدنی و کیفری در پرتو یافته های اسقاط ضمان و تبیین آراء قابل تامل در این زمینه امری ضروری به نظر می رسد. بنابراین در ابتدا قصد داریم به خوانشی از ماهیت و چیستی ضمان برای تشخیص معیار و شاخصه عملی اسقاط ضمان بپردازیم.

۵-۲. تبیین معنا شناسی ضمان

موضوع شناسی واژگان، مقدماتی ترین گام در جهت کشف مراد واضح و استنباط حکم و تعیین آثار است. بنابراین، با توجه به اختلاف در نسبت به مفهوم و مقصود از ضمان در ذیل در صدد هستیم تا به تبیین معنا شناسی ضمان اشاره نماییم.

در اینکه «ضمان» از «ضم» گرفته شده و یا از «ضمن» لغوی ها اختلاف کرده اند. برخی آن را از «ضم» دانسته اند. بنابراین معنای لغوی ضمان، ضم چیزی به چیز دیگر است. بعضی دیگر آن را از «ضمن» گرفته اند؛ از جمله «ما جعلته فی وعاء فقد

التزام تحقق می‌یابد. تعهد گاه به احضار کسی و گاه به پرداخت مالی (دین) است. در فرض دوم، تعهد کننده یا بدهکار مضمون عنه است و یا نیست. تعهد به احضار کسی (کفالت) از سوی بدهکار به مضمون عنه حواله و از سوی غیر بدهکار، ضمان به معنای اخص نامیده می‌شود (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۵).
 ۳- تعهد و التزام به مال. ضمان به این معنا، ضمان به معنای اخص نامیده می‌شود؛ در مقابل معنای دوم که از آن به ضمان به معنای اعم نام می‌برند. ضمان در این کاربرد با انشای تعهد فرد بریء الذمه از آنچه ذمه مضمون عنه بدان مشغول است، تحقق می‌یابد (محقق داماد، ۱۳۸۱ش، ص ۱۸۱/عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۲). برخی گفته‌اند: اطلاق ضمان بر عقد، مجاز، از باب نامیدن سبب تعهد (عقد) به نام مسبب (تعهد) است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۵، ص ۱۵/عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۱).

۵-۳. ضمان در حقوق موضوعه ایران

مبحث ضمان که در سطح از قوانین؛ قانون مدنی و قانون تجارت، نمود دارد یکی از مباحث اساسی فقه مدنی بوده که در باب نقل یا تضامن همواره چالش‌هایی را در پی داشته است و اختلاف نظر فقها در این مورد، در قوانین موضوعه کشور نیز نمود پیدا کرده و تعارضی بین مواد قانونی بوجود آورده است. حقوق دانان در تعریف آن آورده‌اند: «عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است بر عهده بگیرد. لذا قانون مدنی در ماده ۶۸۴ آن را چنین تعریف کرده است: «عقد ضمان عبارتست از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است بعهده بگیرد...» (حجتی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۸).

۵-۴. اسباب و زمینه‌های ضمان

یکی از اسباب و زمینه‌های پیدایش ضمان مبتنی بر غصب است

ضمنته إياه . . . و قال: ضمن الشيء كعلم ضماناً و ضماناً فهو ضمین» (حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۴). در تاج العروس آمده است: ویقال: ضمن الشيء بمعنی تضمنه و منه قولهم: مضمون الكتاب (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۴۷). همچنین در لسان العرب و بسیاری از دیگر ارباب لغت ضمان را از ماده «ضمن» گرفته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۵۷). بنابراین نون از حروف اصلی به شمار می‌آید. با این توضیحات، ضمان در لغت به معنای پذیرفتن التزام، اشتغال کفالت، طی و خلال و امثال آن است (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۴۷/ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۵۷). در لغت خاص حقوقی ضمان به معنای «در برداشتن» است؛ زیرا در باب ضمان آنچه در ذمه مدیون است، در ذمه دیگری قرار می‌گیرد؛ یعنی ذمه ضامن آنچه را که در ذمه مضمون عنه بوده است دربر خواهد گرفت (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۲۸).

بیشتر فقهای اهل سنت ضمان را به معنای ضم ذمه ای به ذمه دیگر دانسته‌اند. بنابراین ضمان از نظر آنها با ضامن شدن شخصی از کسی دیگر، ذمه مضمون له (ضامن شده) به ذمه ضامن منتقل نمی‌شود؛ بلکه این دو نسبت به مورد ضمان اشتراک خواهند داشت. اما فقهای شیعه و برخی از فقهای اهل سنت مانند ابولیلی و ابو ثور بر این باورند که ضمان از «ضمن» است و در نتیجه با ضامن شدن، ذمه مضمون له به ذمه ضامن منتقل می‌شود. بر مبنای پذیرش قول فقهای شیعه در کلمات فقها «ضمان» در یکی از سه معنای زیر به کار رفته است: ۱- مطلق اشتغال ذمه، به هر سببی از اسباب. بنابراین، هر که ذمه‌اش مشغول به چیزی شود، ضامنش است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۲۰).
 ۲- مطلق تعهد و التزام به مال یا نفس (لنکرانی، بی‌تا، ص ۱۸۷). این معنا از ضمان با انشای تعهد و

در حرمت غضب بطور عقلی و شرعی شکی نیست. غضب با استیلاء بر مال غیر بصورت ظلم و عدوان محقق می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۲۹۰). «یتحقق بالاستیلاء علی مال الغير ظلماً» (مصطفوی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۱۹). غضب در لغت به معنای گرفتن چیزی از روی ستم است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۰۲). کلمات فقها در تعریف غضب مختلف است. مشهور آن را به تحت سلطه در آوردن مال دیگری از روی ستم تعریف کرده‌اند. برخی در تعریف آن بجای مال، واژه حق را بکار برده و گفته‌اند: در موارد دست یازی به حق دیگری از روی ستم، مانند تحجیر، نیز غضب تحقق می‌یابد؛ با آنکه در اینگونه موارد، آنچه تحت سلطه درآمده، مال نیست؛ بلکه حق دیگری است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۵، ص ۵۹). این دو لفظ (به غیر حق و عدوان) از نظر مفهوم با یکدیگر متفاوت بوده و تفاوتشان همین است که عدوان فقط بر غضب منطبق می‌شود نه غیر آن از افعالی که صرفاً ضمان آورده بدون این که حرام باشند ولی کلمه به غیر حق هم بر ضمان و هم بر غضب دلالت دارد و به عبارت دیگر: نسبت بین این دو کلمه اعم و اخص مطلقست یعنی بغیر حق اعم و عدوان اخص است (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۶ش، ج ۲۳، ص ۱۴). حکم تکلیفی غضب حرمت و ضمان می‌باشد و حکم وضعی آن رد مغضوب به مغضوب منتهی واجب است (گیلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۵۹۶).

۵-۴-۱. ضمان مبتنی بر اقدام به معامله

اگر فروشنده و خریدار در معامله‌ای مالی پیشقدم شوند، ضمان و مسئولیت مالی بر اساس ابتکار عمل برقرار می‌شود. صاحب الجواهر می‌فرماید: برای ضمانت عموماً «ید» است و چون قصد هر دو در عنوان معامله‌ای که ضمانت لازم است، واقع شده است (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ق، ج ۱۹، ص ۴۷/

مصطفوی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۱۹). این چنین موضوعی برگرفته از ضمان معاوضی است. ماده ۳۸۷ قانون مدنی در خصوص عقد بیع آنرا به طور صریح پذیرفته و در عقود معاوضی دیگر مانند اجاره، جعاله، مزارعه، قرض نیز بدون ذکر نام ضمان مورد قبول واقع شده است (تیموری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۹۷). افزون بر این، ضمان معاوضی نوعی ضمان ارادی والتزامست که به عوض تعلق می‌گیرد، اعم از اینکه مولود یک عقد صحیح یا باطل باشد و از نظر ماهیت قاعده‌ای امری و مقتضای ذات عقود معاوضی است (دیلمی، ۱۴۰۱ش، ص ۶۹۳).

۵-۴-۲. ضمان مبتنی بر اتلاف

اتلاف یکی از قواعد مهم و کاربردی در فقه اقتصادی است. اتلاف در لغت به معنای نابود کردن آمده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۲۶). جعل الشی تالفاً. به موجب اطلاقات ادله قاعده اتلاف، در پدید آمدن نوع ضمان، به هیچ وجه عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. از این رو، شخصی که با عمل خویش موجب تلف مال دیگری شده، ضامن و ملزم به جبران خسارت وارد شده است، اعم از اینکه عالماً عامداً چنین کرده باشد یا بدون قصد، عملش چنین نتیجه‌ای داده باشد. قانون مدنی ایران در ماده ۳۲۸ به همین نکته اشاره کرده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۴). در اصل ضمان ناشی از اتلاف، فقها اجماع دارند؛ علاوه بر این روایات نیز موعید این مهم هستند که «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است. مضاف بر این، با مراجعه به زندگی خردمندان، قطع نظر از ادیان، این نکته مسلم به نظر می‌رسد که عقلاً وقتی شخصی مبادرت به اتلاف مال دیگری می‌کند، ذمه او را در قبال مالک مشغول و او را ضامن می‌شناسند، به این معنا که او را مسئول پرداخت مثل یا قیمت

می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱۲). در امور کیفری و باب سرقت و تلف مال مسروقه قائل ضمان به رد مال شده است.

۵-۴-۳. ضمان مبتنی بر تعدی و تفریط در امانت

المقصود من التعدی هو التصرف الخارج عن الحد المتعارف، و التفریط هو الإهمال والتسامح فی حفظ الأمانة (مصطفوی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۲۰). اصل اولی در حقوق اسلامی ضمانی بودن ید متصرف مال غیر است ولی شارع و قانونگذار در مواردی مانند عقود امانی از این اصل عدول کرده و ید متصرف مال غیر را امانی دانسته و متصرف را ضامن نقصان یا تلف مال غیر ندانسته است و در موارد ارتکاب تعدی یا تفریط مسئولیت مطلق را برای وی مقرر نموده است (نقی‌زاده، ۱۳۹۵ش، ص ۵۵). لذا هرگاه شخص مستودع مال مورد ودیعه را بدون اذن مالک از حرز بیرون آورد، ید او ضمانی خواهد شد، هر چند که مجدد آن را به خود بازگرداند. دلیل فقیهان قاعده استصحاب است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۰). بنابراین، حقوق امین در ارتباط با تعدی و تفریط در متعلق عقد امانت در نزد فقه‌های امامیه با دیدگاه‌های متفاوتی همچون نظریه مشهور عدم ارتباط مطالبه خسارت با تعدی و تفریط به استناد عموم قاعده علی‌الید و نظریه رابطه تقصیر با خسارت به استناد قواعد عمومی مسئولیت و قاعده استیمان همراه بوده است.

۵-۵. انواع شیوه‌های ضمان

ضمان از جهات گوناگون قابل تقسیم است. ولی در پژوهش حاضر ارتباط دارد ضمان ناشی از عقد و قرارداد است که از آن در فقه به «ضمان عقدی» و در حقوق به «مسئولیت قراردادی» تعبیر می‌شود.

۵-۵-۱. ضمان عقدی و آثار حمایتی در جبران خسارت

تعریف ضمان عقدی و معاوضی که به ضمان «مسئولیت قراردادی» نیز نامیده می‌شود، عبارت است از ضمانی که منشأ آن عقد و قرارداد است. ضمان عقدی، عبارت است از انتقال ذمه مضمون عنه (مدیون) به ذمه ضامن و از آن جهت ضمان عقدی گویند که انعقاد آن نیاز به ایجاب و قبول دارد؛ ایجاب از سوی ضامن و قبول از جانب مضمون له. مضمون عنه نسبت به این عقد بیگانه است و حتی رضای او شرط نیست (مواد ۶۸۴ و ۶۸۵ قانون مدنی). کاتوزیان در این باره می‌نویسد: «مسئولیت قراردادی، در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است بوجود می‌آید. کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم پیمانانش می‌شود باید از عهده خسارتی که به بار آورده است برآید» (کاتوزیان، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۷۴). در قانون مدنی مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۶ به این مهم اشاره نموده است. میان تعریف حقوق مدنی با آنچه که فقها از ضمان عقدی در نظر دارند، اختلافی وجود ندارد.

۵-۶. ضمان قهری آثار حمایتی در جبران خسارت

مسئولیت یا ضمان، آنگاه که مبتنی بر اراده طرفینی و یا قرارداد خاص نباشد عنوانی است عام که در اصطلاح فقهی و حقوقی، از آن به مسئولیت مدنی و ضمان قهری یاد می‌شود (لطفی، ۱۳۹۸ش، ص ۲). ضمان قهری یا مسئولیت مدنی عبارت است از: «مسئولیت انجام امری و یا جبران زیانی که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد آورده» (امامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۱) این ضمان را از آن جهت قهری می‌نامند که به دنبال عقد قراردادی نیست. در قانون مدنی در «ماده ۳۰۷» امور ذیل موجب

ضمان قهری دانسته شده است: «۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفا» (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۱۲).

۵-۶-۱. معیار ضمان در جبران خسارت

ضمان اعم از ضمان دیه و قصاص و خسارات چنان که بسیاری از فقها تصریح کرده‌اند دایره مدار صحت انتساب و استناد عرفی جنایات یا خسارات است و اموری نظیر عدوانی یا غیر عدوانی بودن فعل مرتکب و مقصر یا بی تقصیر بودن شخص تاثیری در ضمان او ندارد مگر آنکه غیر عدوانی بودن یا تقصیر مرتکب موجب صدق استناد صدمه و جنایت به شخص شود. به علت استناد جنایت به مرتکب فعل و نه به دلیل تقصیر او یا غیر مجاز بودن عملش می‌توان او را ضامن شمرد. بنابراین، هرگاه عرف حادثه یا صدمه‌ای را به شخصی مستند بداند آن شخص ضامن خواهد بود، خواه جنایت با سوء قصد مرتکب آن عمل شده باشد یا بدون سوء قصد خواه آن فعل به مباشرت صورت گرفته باشد یا به تسبیب یا به اجتماع آن دو، خواه عمل مجاز باشد یا غیر مجاز و خواه با تقصیری همراه باشد یا نه؛ و هرگاه عرف صدمه و حادثه را به شخصی که در مظان اتهام است مستند و منتسب نداند آن شخص ضامن نخواهد بود. با توجه به محور و ضابطه بودن استناد و انتساب جنایات در موارد تراحم اسباب ضمان عاملی را باید ضامن شمرد که عرف صدمه و آسیب وارد شده را به او منتسب می‌داند در چنین مواردی اگر در نظر عرف ایراد صدمه به دو یا چند عامل منتسب باشد به مقتضای قاعده باید هر عاملی را که به نسبت تاثیر و دخالتی که در ایجاد صدمه داشته است ضامن دانست (علیدوست، ۱۳۹۴ش، ص ۹۹). در مواد ۳۳۲ قانون مدنی بر معیار ضمان و تاثیر عرف اشاره شده است. حتی در مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مدنی و ۳۳۹،

۳۴۰، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی که عنصر تقصیر را معیار قرار داده است این مهم از باب تشخیص عرف است.

۵-۶-۲. مولفه‌های وتبیین معنایی

اسقاط ضمان

چنانچه بیان گردید ضمان عبارت است از التزام به پرداخت اختیاری یا قهری مالی به یک شخص. ضمان عقدی، انتقال ذمه مضمون‌عنه (مدیون) به ذمه ضامن و از آن جهت ضمان عقدی گویند که انعقاد آن، نیاز به ایجاب و قبول دارد (باقی، ۱۴۰۲ش، ص ۱). علاوه بر این، هر یک از آحاد مردم در قبال اعمال و افعال خود که همان اسباب ضمان می‌باشد در برابر افراد و جامعه، مسئول و ضامنند. این مفهوم عام بعضاً تحت الشعاع شرایطی خاص همچون زمانی که شخص تحت تاثیر نیت مثبت خود دست به انجام عملی می‌زند که اتفاقاً موجب تحقق شرایط ضمان یا مسئولیت است، محل تردید می‌شود تا آنجاکه تعیین حکم نسبت به دوام و یا سقوط ضمان در خصوص فاعل را مشکل می‌نماید (لطفی، ۱۳۹۸ش، ص ۲). بنابراین، همچنان که برای تحقق ضمان اسبابی وجود دارد و از آنها به موجبات ضمان یاد می‌شود برای سقوط ضمان نیز اسبابی وجود دارد و از آنها به مسقطات ضمان یاد می‌گردد. اسقاط یکی از ایقاعات می‌باشد که در لغت به دلالت مطابقی و صریح به معنای صرف نظر کردن و اغماض از حق و به دلالت ضمنی و التزامی به معنای انصراف از حق و عدم و ازاله. مضاف بر این، اسقاط به معنای عفو و گذشت از حق خود، بری کردن ذمه دیگری از حق است (هاشمی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۸۱). در اصطلاح نیز اسقاط عبارت است از گذشت انسان از حقی که بر ذمه دیگری دارد و یا فارغ کردن ذمه فرد یاد شده برای همیشه. اسقاط حق شبیه اعراض از چیزی است در اعیان

خارجی بنابراین، در مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی، قواعدی مطرح است که با آن که شخصی شرایط ضمان برای او فراهم است، ازضمان معاف شده و ملزم به جبران خسارات وارده نیست و فقها و حقوقدانان تحت عنوان مسقطات ضمان و سقوط تعهدات بحث می‌کنند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۸ / لطفی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۲).

۵-۷. اسباب و زمینه‌های سقوط ضمان

از اسباب و زمینه‌های سقوط ضمان در حقوق کیفری و مدنی با توجه به قواعد فقهی خواهیم پرداخت.

۵-۷-۱. سقوط ضمان مدنی و کیفری در قاعده احسان

احسان در لغت به معنای نیکی و انجام کار خیر است (محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱). منظور از این قاعده این است که هرگاه کسی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگران، موجب ورود خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت‌آور نیست (یزدی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۹۵). بر اساس این قاعده که البته هم از آیات قرآن و هم از روایات و هم حکم عقل و اجماع فقها مؤید نیز دارد، اگر فردی با قصد کمک‌رسانی به فرد دیگر اقدامی نمود و در این بین به او ضرری رسید، چون در قصدش محسن بوده، شارع مقدس او را ضامن نمی‌داند. البته اثبات محسنانه بودن عمل مرتکب و تحقق شرایط قاعده فقهی احسان موجب سقوط ضمان و سلب مسئولیت و برائت ذمه شخص محسن می‌گردد (لطفی، ۱۳۹۸ش، ص ۲). بنابراین، قاعده احسان، مسقط ضمان است (سعیدی، ۱۴۰۱، ص ۸۱/ آهنگران، ۱۴۰۰ش، ص ۷۳)؛ مهم‌ترین دلیل اثباتی برای قاعده احسان قسمت اخیر آیه ۹۱ سوره توبه است که می‌فرماید: «ما علی المحسنین من

سبیل». «بر شخص محسن نباید سخت‌گیری کرد» لذا چنین اشخاصی ضمان ندارند (محقق داماد، ۱۳۸۴ش، ص ۹۳). آیه شریفه بنا بر ساختار ظاهری خود بر نفی هر چیزی که سبب مؤاخذه محسن شود دلالت می‌کند؛ یعنی هیچ راهی برای تسلط بر محسنین که باعث ایجاد و فشار و سختی بر آن‌ها شود، وجود ندارد (بهروزی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۲۲ / مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۷۴). البته در تصرف محسن علاوه بر این که شخص قصد خیر و نیکی را داشته است باید واقعا آن عمل نوعا کاری نیک باشد، تنها قصد احسان یا سودمندی نتیجه کار مسقط ضمان نیست (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۹). طبق تبصره ذیل ماده سابق ۶۱ قانون مجازات اسلامی، در صورتی بر شخص عنوان محسن صدق می‌کند که برای خدمت و نیکی به دیگران اقدام کند. در کتب فقهی در این ارتباط بیان شده است: «المراد من الإحسان هنا هو العمل بقصد المساعدة للمسلم» (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸). قاعده احسان هم مسقط ضمان کیفری و هم ضمان از لحاظ مدنی است. بر این مبنا، فرد محسن نه تنها ملزم به جبران خسارت نیست بلکه از مسئولیت کیفری نیز با توجه به قاعده احسان تبرئه می‌شود (سعیدی، ۱۴۰۱ش، ص ۸۱). در این باره در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تلاش شده تا از سویی دایره ضمان پزشک محدود شود و از دیگر سو به حمایت از بیماران پرداخته است. مقنن در اولین گام با عدول از نظریه خطر، نظریه فرض قصور و تقصیر را پذیرفته است. در گام بعدی حمایت از پزشکان، اخذ رضایت از بیمار را مسقط ضمان پزشک دانسته است. و در سومین گام، آگاهی پرستار یا بیمار از دستور درمانی اشتباه را سبب دفع ضمان پزشک می‌داند. تحول جدید دیگر را می‌توان در وارد

نمودن نسبتاً صریح قاعده‌ی احسان به عنوان یکی از عوامل سقوط ضمان پزشک تلقی کرد (دارایی، ۱۳۹۵ش، ص ۵۳).

۵-۷-۲. سقوط ضمان مدنی و کیفری در قاعده استیمان

استیمان عبارت است از اذن مالک یا شارع (رحمان ستایش، ۱۴۲۵ق، ص ۶۷۸) در گرفتن مال یا تصرف در مال برای مصلحت مالک نه برای مصلحت گیرنده یا هر دو. قاعده استیمان در حقیقت استثنایی بر قاعده ضمان ید است، چرا که به موجب مفاد قاعده ضمان ید، اصل این است که هر کس مال دیگری را تصرف کند، ضامن آن است و در قبال مالک مسئولیت دارد و در صورت تلف و نقص باید از عهده خسارت برآید و چنانچه مالک، منافع زمان تصرف را مطالبه کند، متصرف ضامن پرداخت است. براین اصل، استثنائاتی وارد شده است که بطور کلی در فقه تحت عنوان قاعده «استیمان» مطرح می‌گردند. اینگونه استیلا را «ید امانی» می‌نامند. مفاد اجمالی قاعده این است که چنانچه شخصی بر مال دیگری استیلا یابد مادام که تعدی یا تفریط نکند، ضامن نیست (محقق داماد، ۱۳۸۴ش، ص ۹۱ / طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۹). باید اظهار نمود که استیمان و اذن با پذیرش نقاط افتراقشان، تا حدودی برابری معنایی دارند و نوعی اذن در نگهداری است (علی آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۴) که از مسقطات ضمان محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، استیمان قاعده مستقل فقهی با احکام و آثار خاص خود است که درون مایه آن اذن است. بنابراین، یکی از قواعد فقهی که به قسمی از احکام فقهی و مسائل حقوقی مربوط می‌شود قاعده استیمان یا قاعده عدم ضمان امین است که منطبق با آن، ضمان قهری ناشی از ید برداشته شده و گفته می‌شود، امین ضامن نیست.

مثلاً مستأجر در عقد اجاره، وکیل در عقد وکالت، مستعیر در عقد عاریه و... از آن جهت که امین محسوب می‌شوند چنانچه نسبت به نقص یا تلف شدن کالایی که از طرف مقابل در اختیار آنها می‌باشد تقصیر نداشته باشند ضامن شمرده نمی‌شوند (لطفی، ۱۳۷۸ش، ص ۹۱).

۵-۷-۳. سقوط ضمان مدنی و کیفری در قاعده اقدام

قاعده اقدام در دو معنا به کار رفته یکی موجب ضمان و دیگری مسقط ضمان موجب ضمان بودن در معاملات معوض فاسد مطرح می‌شود که در آنجا غیرمالک بر علیه مالک اقدام می‌کند ولی مسقط ضمان بودن در جایی است که مالک علیه خود اقدام می‌کند (شکاری، ۱۳۹۶ش، ص ۶۱). براساس این توضیح یکی از معنای اقدام مسقط ضمان بودن است، و در جایی است که شخص علیه خود اقدام و موجبات سقوط ضمان را فراهم می‌آورد (امیری فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۱ / شکاری، ۱۳۹۶ش، ص ۶۱). قاعده اقدام به عنوان قاعده‌ای مسقط ضمان یا به صورت کامل اثر معاف‌کنندگی دارد یا بصورت جزئی به عبارت دیگر یا مسقط کامل مسئولیت است یا مسقط جزئی مسئولیت؛ اما اینکه «اقدام» به عنوان یکی از موجبات ضمان و از منابع مسئولیت مدنی مورد استناد قرار گیرد، امر جدیدی است که در فقه کمتر به آن توجه شده و شاید بتوان گفت در حقوق موضوعه مورد توجه قرار نگرفته است (شکاری، ۱۳۹۶ش، ص ۱). بنابراین میتوان بیان نمود که قاعده اقدام مستند بسیاری از احکام فقهی و حقوقی مدنی در موضوعاتی مانند بیع فضولی، اجاره فاسد، غصب، ودیعه و ادای دین واقع شده است (موسوی بادرانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴۳). بنابراین، اگر کسی اقدام به اسقاط احترام مال خود کند و به زیان خویش به کاری دست بزند، دیگری

حق ندارد از باب خسارتی که دیده است و به او رسیده تقاضای جبران ضرر کند (لطفی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۳) به تعبیری «اقدام مجانی» بر ضرر خود کرده است (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۹۶). جهت اثبات قاعده به حدیث: «لا یحلّ مال امرئ مسلم الاّ عن طیب نفس» (امامی خوانساری، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴۱)؛ «انّ المالك إذا اقدم علی اسقاط احترام ماله و بنی علی عدم العوضیة سقط ضمانه» تمسک می‌کنند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۸۸)؛ لذا وقتی مالکی راضی به تصرف بی‌عوض دیگری شد، دیگر موردی برای ضمان متصرف باقی نمی‌ماند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص ۲۶۹). این قاعده علاوه بر فعل، ترک فعل را هم شامل می‌شود. در مصادیق جدید کیفری امروزی نیز کاربرد دارد از جمله مسئله اتانازی که ماهیت آن قتل عمد بیمار داوطلبانه یا غیرداوطلبانه می‌باشد. لذا در اتانازی، انجام فعل توسط پزشک حرام، ولی چون با اقدام و رضایت بیمار بوده، مستحق قصاص نمی‌باشد و می‌تواند مصالحه به دیه کند (امیری فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۱).

۵-۷-۴. سقوط ضمان مدنی و کیفری

در قاعده اذن

اذن در اصطلاح به معنای رخصت در تصرف از سوی مالک یا شخص به منزله مالک می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۳۱). از آنجایی که ضمان و عهد، التزام به جبران خسارت، موجبات ثبوت و سقوط آن است اما اذن در مقابل ضمان، یکی از مهمترین قواعد فقهی و از جمله مسقطات ضمان می‌باشد. به موجب اذن، در صورتی که شخصی از طرف مالک یا شارع، مأذون در تصرف مال یا حقی باشد و به‌طور اتفاقی سبب خسارت به آن شود، عمل وی مسئولیت‌آور نیست باید اظهار داشت در سیستم تشریع الهی همیشه احکام از نوع حقیقیه هستند؛ لذا با تمسک به

اطلاق و عمومات می‌توان تا زمانی که دلیلی بر تقیید یا تخصیص آن وجود نداشته باشد از این حقیقی بودن جنبه عام و شمولی دارند (معرفت، ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۷) استفاده نمود. صرف‌نظر از اینکه اساساً قاعده بودن قاعده اذن به طور جدی محل تردید است، مفاد ادله متعدد نشان می‌دهد که این قاعده در امور کیفری قابلیت و صلاحیت اجرا ندارد. دلایلی چون تخصیص دلیل عام اذن، انصراف به امور غیرکیفری، قواعد بالادستی و حاکمیتی حقوقی اجتماعی، اطلاق‌های قانونی، ناتوانی قاعده در رفع مانع و خلاصه شدن در تأثیر اقتضائی، ناکارایی و محدودیت گشایش حاصل از اضطرار، بخشی از مستندات مدعا است (صادقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۹). اما قانونگذار در ضمن ماده‌ی ۳۶۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با پذیرش این نظر که صاحب ابتدایی حق قصاص اصالتاً خود مجنی علیه بوده و در صورت رضایت و عفو، اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ مجنی علیه، تقاضای قصاص جانی را نمایند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۱۰). افزون بر این، اگر شخصی نسبت به مسری بودن و نیز آثار نامطلوب و مهلک بیماری‌های جنسی آگاهی داشته، و نسبت به وقوع آن علیه خود رضایت دهد، رضایت اولیه‌ی وی می‌تواند سبب مشروعیت فعل مرتکب را فراهم نموده و مانع از تعقیب او در مراجع قضائی و عدم مسئولیت کیفری‌اش گردد، فقها عدم مسئولیت وارد کننده‌ی زیان را مستند به اقدام وی بر علیه خود دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۲۲۱). در جرم سرقت نیز، عدم رضایت مالک از عناصر تشکیل دهنده جرم محسوب می‌گردد و تحقق عمل مجرمانه منوط به تصرف و اثبات ید بر مالی بدون وجود رضایت و اطلاع مالک و دارنده‌ی آن است، در همین راستا وقتی تصرف مال دیگری با وجود رضایت مالک آن باشد، وصف مجرمانه از

کیفیت ربودن در جرم سرقت، سلب و جرم سرقت تحقق نخواهد یافت (الیاسی نیا، ۱۴۰۱ش، ص ۲۲).

۵-۷-۵. سقوط ضمان مدنی و کیفری در قاعده تحذیر

قواعد فقه و به ویژه قاعده تحذیر کاربرد بسیار وسیعی در علم حقوق دارد. این قاعده با انواع مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی تعامل و رابطه دارد به گونه‌ای که تحقق آن مساوی است با رفع مسئولیت هشدار دهنده به ویژه رفع مسئولیت کیفری (حسین قربان، ۱۳۹۴ش، ص ۱). بنابراین، به موجب این قاعده هر کس قبل از اقدام به هر عملیات خطرناک و مهلك به سایرین هشدار دهد معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود و در صورت بی توجهی هشدار گیرنده و ورود خسارت به وی، هشدار دهنده معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود (ابراهیمزاده، ۱۳۹۸ش، ص ۴۲). مبنای قاعده‌ی تحذیر در فقه روایت معروفی است که از امام صادق (ع) نقل گردیده و در آن عبارت معروف حضرت علی (ع) «قد اعذر من حذر» آمده است که از نظر محتوا و دلالت و همچنین در جهت سند و مدرک نیز قوی و خالی از ضعف است. در سقوط ضمان به مواردی اشاره نمود. در ماده ۳۴۱ قانون مجازات اسلامی در باب تسبیب در جنایت، این قاعده به این شرح پیش‌بینی شده است: «هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد، در صورتی که عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید، ضامن دیه و خسارت نخواهد بود». ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن می‌گوید: «ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در شاهراه‌ها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور حادثه‌ای واقع

شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد، نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت؛ ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه، وسیله نقلیه را در شانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود». ماده ۹ قانون مزبور نیز می‌گوید: «عبور از روی خطوط راه‌آهن و ورود در محوطه ایستگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات فنی راه‌آهن، به استثنای سکوهای مسافری وامکنه و گذرگاه‌ها و معابر مجاز واقع در ایستگاه‌ها، و در طول خطوط ممنوع است؛ جز برای آن عده از مأمورین راه‌آهن که بر حسب وظیفه، مجاز به ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه، راه‌آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود». ماده ۱۰ همین قانون مقرر می‌کند: «عبور هرگونه وسیله نقلیه، اعم از موتوری و غیر موتوری از یک طرف خط آهن به طرف دیگر در غیر محل‌های مجاز ممنوع است و متخلف از این امر، مسئول هرگونه پیش‌آمد و خسارت وارده می‌باشد». البته خسارت مندرج در این ماده، یک خسارت طرفینی است و چنانچه عبورکننده غیرمجاز به ریل راه‌آهن و قطار در حال حرکت، صدمه بزند مسئول جبران خسارت است و همچنین اگر خسارتی به خود او وارد آید، خود مسئول این خسارت است. قانونگذار در اینجا با هشدار و حذار، مسئولیت وارده به عبورکننده غیر مجاز را به خود او برگردانده است. قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی در ماده ۸ مقرر می‌کند: «در صورتی که عابر پیاده در عبور

از سواره‌رو، معابر و خیابان‌ها، جز از نقاطی که خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز)، از محل دیگری (محل‌های غیر مجاز) عبور نماید، متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین‌نامه می‌باشد و در صورتی که در این قبیل نقاط غیر مجاز وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید، راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد، مسئول شناخته نمی‌شود. عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود» (محقق داماد، ۱۳۸۱ش، ص ۲۴۵).

۶. نتیجه

در اصطلاح اسقاط عبارت است از گذشت انسان از حقی که بر ذمه دیگری دارد و یا فارغ کردن ذمه فرد یاد شده برای همیشه. اسقاط حق شبیه اعراض از چیزی است در اعیان خارجی ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است برعهده بگیرد. لذا قانون مدنی در ماده ۶۸۴ آن را چنین تعریف کرده است: «عقد ضمان عبارتست از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. با این تعاریف باید بیان نمود، در مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی، قواعدی مطرح است که با آن که شخصی شرایط ضمان برای او فراهم است، از ضمان معاف شده و ملزم به جبران خسارات وارده نیست و فقها و حقوقدانان تحت عنوان مسقطات ضمان و سقوط تعهدات (هر چند تفاوت‌های سقوط تعهدات با ضمان در این پژوهش ملحوظ نگردیده است) بحث می‌کنند. مسقطات ضمان در نظام حقوقی ایران شامل احسان، اقدام، استیمان و... هستند. پژوهش حاضر بر پایه استظهار مسقط ضمان کیفری و مدنی بودن مصادیق فوق‌الذکر است. در حقوق ایران موضوع

مسقطات ضمان علاوه بر کاربردپذیری در حقوق مدنی در قوانین با رویکرد کیفری مسکوت نمانده و دارای مقرر خاص مقررهای خاص در مباحث سرقت، رفع ضمان پزشکی، عدم قصاص قاتل و... است. بنابراین میتوان اظهار نمود که وحدت ملاک مسقطات ضمان در دو حوزه مدنی و کیفری تا حدودی برابر است و افتراق چندانی با یکدیگر ندارند. لذا با ملاحظه رویکرد مصادیق مسقطات ضمان (اذن، اقدام، تحذیر، احسان، استیمان)، یکسان‌سازی فرآیندی با متکی شدن مصادیق مشترک و هماهنگی شناختی در نگرش‌ها نسبت به مسقطات ضمان قابل تصور می‌باشد. علی‌هذا، هر دو محیط مستفاد از مصادیق مسقطات ضمان مسبب ایفا احکام و آثار اسقاط مسئولیت می‌گردند. در این ارتباط پیشنهاد می‌گردد قانونگذار ایران با ملاحظه و مطالعه نظام‌های حقوقی پیشرو در عرصه حقوق کیفری به تصویب مقرراتی پیرامون مسقطات ضمان در کیفری با رویکرد مدنی اهتمام ورزد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در نگارش و چاپ این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- ابراهیم زاده، مهدی، (۱۳۹۸ش)، بررسی قاعده هشدار در مسئولیت مدنی، قانون یار، شماره ۱۱.
- باقی، زینب، (۱۴۰۲ش)، بررسی تطبیقی عقد ضمان در حقوق مدنی با حقوق تجارت، مجله حقوق و مطالعات نوین، شماره ۱.
- تیموری، حبیب، (۱۳۹۷ش)، بررسی حقوقی انتقال ضمان معاوضی در حقوق موضوعه ایران، پژوهش‌های حقوقی قانون، شماره ۳.
- حسین قربان، نیلوفر، (۱۳۹۴ش)، قاعده تحذیر و سقوط مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سعیدی، یاسمن، (۱۴۰۱ش)، بررسی قاعده احسان در سقوط مسئولیت مدنی و کیفری با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، مجله متین، شماره ۹۵.
- صادقی، سیدامیرعلی، (۱۴۰۰ش)، تاروایی اعمال اذن در امور کیفری، فقه و اصول، شماره ۱۲۷.
- طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- لطفی، اسدالله، (۱۳۷۸ش)، قاعده استیمان در سقوط ضمان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۴.
- لطفی، جواد، (۱۳۹۸ش)، قاعده احسان و اسباب اصلی ضمان، مطالعات فقه اقتصادی، شماره ۱. نقی زاده، خدیجه، (۱۳۹۵ش)، انحلال یا عدم انحلال امانت در صورت تعدی و تفریط، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲.
- هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۲ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۴ش)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۱ش)، قواعد فقه، تهران: انتشارات سمت.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۴ش)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۴ش)، معیار ضمان، مجله فقه، شماره ۷۱.
- ابن منظور، ابوالفضل، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر.
- بحر العلوم، محمد بن محمدتقی، (۱۳۶۲ش)، بلغة الفقیه، تهران: مکتبه الصادق (علیه السلام).

منابع لاتین

- حلی، حسین، (۱۴۱۵ق)، بحوث فقهیه، قم: مؤسسه المنار.
- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- صدر، شهید، سید محمد، (۱۴۲۰ق)، ما وراء الفقه، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل، قم: دفتر معظم له.
- مدرسی، محمد رضا، (۱۳۹۳ش)، البیع، قم: دار التفسیر.
- مراغه‌ای، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۸ق)، العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۳ق)، فقه المعاملات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- واسطی، محب الدین، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفكر للطباعة.
- Saudi Arabia - United States Department of State. 2020.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی